

A comparative study of the fundamentals of oil and gas law in Iran and some Persian Gulf countries

Aria Pourseyedi^۱

Mahmoud Aghajani^۲

1- Master of Private Law, Islamic Azad University, Kerman Branch, Iran.

2- Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University, Kerman Branch, Iran.

Abstract.

Oil and gas law is a new and very important branch of law. The oil and gas law of each country is influenced by the political, legal and economic system of that country. The present article, using a descriptive-analytical method, examines the legal aspects of new oil contracts and explains the subject with a look at the oil and gas laws of some Persian Gulf countries (Saudi Arabia and Iraq). This research introduces concession contracts in the Qajar era, and in examining the evolution of Iranian oil and gas contracts, we have reached new Iranian oil contracts. Concluding oil and gas contracts is a highly specialized matter that is closely related to the legal infrastructure of the oil-owning country. Despite its abundant oil and gas reserves, Iran needs an oil contract model that is both in line with the country's needs and at the same time interacts with countries with technology. Iran's new oil contracts are designed with the aim of maintaining and enhancing the position of Iran's oil and gas in the international arena and promoting technology transfer. Then, the pillars of the Saudi government and some legal requirements in Saudi Arabia's oil and gas laws are introduced. The following describes the history of Iraqi oil and gas laws and the requirements for controlling and monitoring Iraqi oil contracts.

Keywords: Oil and gas rights, oil contracts, legal requirements, concession agreement.

^۱ Ariapourseyydi1362@gmail.com

مطالعه تطبیقی مبانی حقوق نفت و گاز ایران و برخی کشورهای حوزه خلیج فارس

آریا پورسیدی^۱

محمود آقاجانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵

چکیده

حقوق نفت و گاز شاخه‌ای نوپا و بسیار مهم در علم حقوق می باشد. حقوق نفت و گاز هر کشور متأثر از نظام سیاسی، حقوقی و اقتصادی آن کشور است. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی ابعاد حقوقی قراردادهای جدید نفتی به تبیین موضوع با نگاهی به حقوق نفت و گاز برخی کشورهای حوزه خلیج فارس (عربستان و عراق) پرداخته است. در این پژوهش به معرفی قراردادهای امتیازی در عصر فاجاریه پرداخته شده است و در بررسی سیر تکاملی قراردادهای نفت و گاز ایران به قراردادهای جدید نفتی ایران رسیده‌ایم. انعقاد قراردادهای نفت و گاز امری کاملاً تخصصی است که با زیرساخت‌های قانونی کشور صاحب نفت، ارتباط زیادی دارد. ایران با وجود ذخایر فراوان نفت و گاز، نیاز به مدل قراردادی نفتی دارد که هم منطبق با نیازهای کشور باشد و در عین حال با کشورهای صاحب تکنولوژی نیز تعامل داشته باشد. قراردادهای جدید نفتی ایران با هدف حفظ و ارتقا جایگاه نفت و گاز ایران در عرصه بین الملل و ارتقای انتقال تکنولوژی طراحی شده‌اند. سپس ارکان حکومت عربستان و برخی الزامات قانونی در حقوق نفت و گاز عربستان سعودی معرفی شده‌اند. در ادامه تاریخیچه حقوق نفت و گاز عراق و الزامات کنترل و نظارت بر قراردادهای نفتی عراق بیان شده است.

واژگان کلیدی: حقوق نفت و گاز، قراردادهای نفتی، الزامات قانونی، قرارداد امتیازی.



^۱ - کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، ایران.

^۲ - استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، ایران.

۱- مقدمه

هیچ صنعتی همچون نفت نتوانسته با چنین ژرفا و سرعت چشم گیری بر تمدن بشری تاثیر بگذارد. صنعت نفت دارای ویژگی هایی است که در تاریخ بشری بی همتا است. از آنجا که کشور ایران یکی از بزرگترین دارندگان منابع نفت و گاز در سطح جهان است و با توجه به اینکه در میان دو منبع بزرگ انرژی جهان یعنی دریای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب قرار دارد، از جایگاه ویژه ای در سطح بین المللی برخوردار است. (امانی، ۱۳۸۹، ص ۲۲)

برای حفظ و صیانت از این منابع خدادادی اولین و مهم ترین بخش، انعقاد یک قرارداد حقوقی است فلذا در این پژوهش از منظر حقوق خصوصی و قرارداد ها به حقوق نفت و گاز نگریسته شده است. سپس بررسی تطبیقی حقوق نفت و گاز ایران با عراق و عربستان انجام شده است. استفاده از دانش حقوقی بسیاری از ریسک ها را در صنعت نفت و گاز مدیریت می نماید. ایران به عنوان یکی از بزرگترین دارندگان نفت و گاز در جهان ، نیازمند قراردادهای حقوقی بهینه ، جهت استفاده حداکثری از منابع نفت و گاز خود می باشد. در قراردادهای نفت و گاز می بایست شروطی مد نظر قرار گیرند که منافع کشور دارای منابع حفظ گردد. در عین حال پروژه به صورت بهینه به نتایج و اهداف تعیین شده برسد.

شروط حقوقی ، ناظر به نحوه واگذاری پروژه - انعقاد قرارداد - مدت قرارداد - قانون حاکم و است که دقت عمل در تدوین این شروط نقش راهبردی در میزان موفقیت و شکست پروژه در تامین منافع کشور را دارد. انعقاد قراردادهای نفت و گاز امری کاملاً فنی است که با نظام سیاسی حقوقی و اقتصادی هر کشور صاحب نفت ارتباط زیادی دارد. واضح و مبرهن است که در ایران با وجود ذخایر فراوان نفت و گاز - تعیین مدل قراردادی منطبق با نیازهای کشور و قانون اساسی - در عین حال ضمن ایجاد تعامل اقتصادی با کشورهای مدرن صاحب تکنولوژی امری ضروری به نظر می رسد.

یکی از گرایشهای مادر و مهم رشته حقوق، حقوق خصوصی می باشد. از مباحث مهم حقوق خصوصی می توان به مبحث مالکیت و قراردادها اشاره نمود. حقوق قراردادها بخش اساسی و جدایی ناپذیر حقوق خصوصی است. عمده روابط خصوصی افراد از طریق عقود و قراردادها تنظیم می شوند و بنابراین حقوق قراردادها جایگاه متمایزی در حقوق خصوصی دارد. حقوق قراردادها به اصول، قواعد و ضوابطی اطلاق می شود که حاکم بر نحوه تشکیل و انعقاد، آثار و انحلال قراردادها می باشد. در حقوق قراردادها ضوابط انعقاد یک قرارداد لازم الاجرا بیان شده، نحوه برخورد با طرفی که به تعهدات خود عمل نمی کند مشخص می گردد. یکی از بخش های مهم حقوق نفت و گاز، بخش قراردادهای آن است. در قراردادهای نفتی روابط شرکت ملی نفت به عنوان نماینده کشور صاحب نفت با شرکتهای نفتی بین المللی به عنوان سرمایه گذار تنظیم می شود. در این پژوهش به " بررسی تطبیقی حقوق نفت و گاز ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس (با تکیه بر کشورهای عربستان و عراق) از منظر حقوق خصوصی ایران " می پردازیم. در حوزه حقوق نفت و گاز به مباحث مهم مالکیت نفت و گاز و قراردادهای نفت و گاز می پردازیم.

نظر به علم حقوق خصوصی، قرارداد خوب قراردادی است که به آسانی اجرا شود و این امر هنگامی حاصل می شود که قرارداد به شیوه متوازن و متعارف حقوق طرفین را تامین کند. دسترسی به این هدف در قراردادهای نفتی همیشه به آسانی میسر نمی باشد. عوامل داخلی و بین المللی در انتخاب نوع قرارداد ایده آل در صنایع نفتی موثر می باشد. به دلیل نقش اصلی و مرکزی قرارداد در بیان درخواست های طرفین قرارداد، مهم ترین سندی است که در صنعت نفت و گاز یافت می شود. هر آنچه در قراردادهای نفت و گاز اثرگذار است ناگزیر از منظر حقوق مهم است و باید بررسی گردد. باید به دنبال قراردادی بود که در طی مدت زمان آغاز تا فرجام پروژه سودمند باشد و اهداف طرفین را برآورده کند. (ایرانپور، ۱۳۸۵، ص ۱۴).

نگارنده سعی نموده است در حد وسع و توان از منظر حقوق خصوصی و قراردادها، ابتدا به بررسی حقوق نفت و گاز ایران بپردازد و سپس به واکاوی حقوق نفت و گاز عربستان و عراق بپردازد. با توجه به کم بودن تحقیق در این زمینه، امید است این پژوهش برای مطالعه عمیقتر در زمینه مهم ترین صنعت کشور، راهگشا باشد. بی گمان مهمترین بخش صنعت نفت و گاز (از منظر علوم انسانی)، حقوق نفت و گاز است که مخصوصاً در بحث قراردادها، نمود پیدا می کند؛ بنابراین تحلیل منطقی و اصولی قراردادهای بالادستی نفتی می تواند از هدررفت هزینه های هنگفت جلوگیری کند و این پروژه های کلان را به نوعی مدیریت کند. باید با مطالعه و بررسی و شناخت دقیق نظامهای حقوقی مختلف در حیطه ی صنعت نفت و گاز و انواع مختلف قراردادها، بتوان به توسعه و پیشرفت این صنعت مهم و حیاتی کمک کرد. اهمیت شناسایی و کم کردن خطرات قراردادی در قراردادهای تجاری بلند مدت با ریسک و سرمایه گذاری قابل توجه که در هیأت قرارداد به عنوان سند مرکزی و اصلی در اختلافات مورد بحث است، نقش طراحی بهینه ی قراردادها را هرچه بیشتر روشن میکند. بی شک با تبیین شروط عمومی قراردادها و شفاف سازی آنها، سرمایه گذاران و شرکتهای خارجی، سریع تر می توانند در زمینه همکاری با پروژه های مهم نفتی، تصمیم گیری نموده و مراحل مذاکرات قراردادی که در عمل بسیار طولانی می شوند را به کمترین زمان ممکن کاهش داده و در مجموع، بستر حقوقی مناسب تری را در این حوزه مهم اقتصادی فراهم آورند. تمرکز اصلی این پژوهش بر این است که ضمن بررسی حقوقی اصول و قواعد حقوقی حاکم بر شرایط عمومی قراردادهای نفتی، و با در نظر گرفتن الزامات قانونی و بررسی انواع قراردادها، مالکیت و حاکمیت ملی را بر منابع و ذخایر نفتی در راستای اصول اساسی و قانونی حفظ نماییم. بهترین حالت برای طرفین قرارداد این است که مفاد قرارداد در طی مدت زمان آغاز تا فرجام پروژه، سودمند باشد و اهداف طرفین را بر آورده کند. از این رو، با مقدماتی سروکار داریم که اساس طراحی یک چهارچوب برای راهکارهایی است که به انعطاف و یا ثبات قرارداد و حل یا از بین بردن تعارضات کمک می کنند. به طور کلی اختلافات تجاری

بین‌المللی برای طرفین ناخوشایند هستند اما به طور اجتناب ناپذیری، اتفاق می‌افتند. این اختلافات هم از نظر مالی و هم از نظر زمانی هزینه بر هستند و منجر به خراب کردن یک رابطه قراردادی سودمند می‌شوند؛ این امر مخصوصاً در جایی که یک رابطه سرمایه‌گذاری بلندمدت که حداقل یک طرف هزینه مالی، زمانی و کاری قابل توجهی را صرف کرده‌است به مراتب، جدی‌تر است.

۲- ادبیات و مبانی نظری

قبل از بیان مباحث و مفاهیم حقوق نفت و گاز ابتدا به بیان مقدماتی در باب مراحل ایجاد نفت می‌پردازیم.

۲-۱- حقوق نفت

حقوق نفت ابتدائاً در روابط نفتی بین دولت‌ها و شرکتهای نفتی به ایجاد تعادل می‌پردازد. سپس در موضوعات نفتی به تنظیم روابط داخلی دولتها می‌پردازد. حقوق نفت به آن دسته از قواعد و اصول، موازین، قوانین، مقررات و ضوابطی اطلاق می‌شود که روابط مرتبط با نفت را در جامعه تنظیم می‌کند. این روابط شامل مالکیت نفت موجود در لایه‌های زیرزمین، نحوه تملک، سرمایه‌گذاری، اکتشاف، توسعه، استخراج، بهره‌برداری، توزیع، صادرات، حمل و نقل و مصرف نفت، گاز، قیر است.

از نظر علمی دایره شمول و حدود حقوق نفت بسیار فراتر از قراردادهای نفتی و قطعاً به مراتب فراتر از داوریهای اختلافات نفتی است. برای فهم و تفسیر تعهدات طرفین یک قرارداد نفتی نمی‌شود تنها به متن قرارداد و ضمایم آن بسنده کرد، بلکه باید دانست که متن قرارداد و ملحقات آن، تنها یکی از مولفه‌های رابطه‌های حقوقی بین طرفین است و هر قرارداد نفتی در بستری از الزامات بالادستی حقوقی و قانونی منعقد می‌شود که از آن به حقوق نفت تعبیر میشود. منشا و منبع برخی از این الزامات، نظام حقوقی داخلی کشورها و خاستگاه برخی دیگر

تعهدات بین المللی دولتها در چارچوب حقوق بین الملل است. (شیروی. ۱۴۰۰. ص ۷۶)

زبان مشترک دولتهای جهانی علم حقوق است و روش حمایتهای حقوقی، کارآمدترین ابزار است؛ پس با انجام مطالعات و پژوهشهای حقوقی است که می توان به راه حلهای منطقی و عملی در جوامع بشری دست یافت، که این دست یابی به مبانی متقن حقوقی و تصویب قوانین کارآمد طبق شرایط زمانی و مکانی راهگشای مشکلات پیشرو خواهد بود. نفت و عملیات نفتی به نظم حقوقی خاصی نیاز دارد که با ویژگی ها و نیازهای این صنعت تناسب داشته باشد. این نظم حقوقی خاص تحت عنوان حقوق نفت و گاز مورد مطالعه قرار می گیرد. حقوق نفت و گاز به تبیین مسائل ذیل می پردازد:

- تنظیم روابط نفتی در فراسوی مرزها در تعامل با سایر کشورها اعم از تولید کننده یا مصرف کننده

- تعیین شرایط و مفاد قراردادها که به موجب آن اشخاص خصوصی اعم از داخلی و خارجی در عملیات نفتی مشارکت می کنند.

- نحوه سرمایه گذاری ، مشارکت ،مدیریت و اداره منابع نفتی و تصدی به فعالیتهای نفتی توسط اشخاص خصوصی اعم از داخلی و خارجی - که این امر عمدتاً از طریق اعطای امتیاز و یا انعقاد قرارداد انجام می پذیرد.

- نحوه توزیع ، بازاریابی و صادرات نفت و گاز و فرآورده های نفتی

- تعیین ساز و کار داخلی برای اعمال اختیارات دولتی در حوزه نفت و عملیات نفتی

- مالکیت منابع نفتی و نقش دولت در تملک اداره و مدیریت منابع نفتی و انجام عملیات نفتی

- تعیین شرایط انجام فعالیت های نفتی از جمله رعایت سهم داخلی در اجرای پروژه های نفتی

- نحوه حل و فصل اختلافات نفتی (شیروی. ۱۴۰۰. ص ۷۹)

۲-۲- قراردادهای نفتی

قراردادهای نفتی قراردادهایی می باشد که برای کشف نفت و میادین نفتی و استخراج نفت از مخازن زمینی و تولیدات آن تنظیم می شود، از یک سو ممکن است در یک قرارداد تمام عملیات نفتی با انجام مراحل کشف و تولید تمام شود و از طرف دیگر ممکن است شرکت نفتی تنها اقدام به عملیات محدودی نماید بدین مضمون که شرکت نفتی پس از استخراج نفت باید آن را به کشور صاحب نفت تحویل دهد و دستمزد خود را دریافت نمایند. (شیروی، ۱۴۰۰، ص ۹۶)

سرمایه گذاری در حوزه صنعت نفت و گاز، همواره در قالب انعقاد قرارداد صورت پذیرفته و به همین سبب قراردادهای نفتی در جهان سابقه ای بیش از یکصد سال دارد. انعقاد این قراردادها امری فنی است که با نظام سیاسی، حقوقی و اقتصادی کشورها کاملاً مرتبط می باشد. همچنین نیاز روز افزون صنعت نفت و گاز به این قراردادها، اهمیت آنها را دوچندان کرده است. مطالعه تاریخ قراردادهای نفتی نشان می دهد که این قراردادها صحنه تقابل منافع شرکت های خارجی و منافع ملی دولت میزبان بوده اند که این صحنه با گذشت زمان به سمت توزیع متناسب منفعت پیش رفته است. از طرفی لزوم صرف هزینه های هنگفت در عملیات های کشف، استخراج، تولید و بهره برداری باعث شده تا آثار حقوقی ناشی از این قراردادها و به تبع آن ایجاد انگیزه جهت سرمایه گذاری خارجی در صنعت نفت و گاز اهمیت خاصی پیدا کند. کشورهای نفت خیز در حال حاضر از قراردادهای نفتی گوناگونی در حوزه بالادستی صنعت نفت و گاز استفاده می کنند.

قراردادهای نفتی توافقنامه هایی هستند که معمولاً بین یک کشور یا دولت از یک سو و یک یا چند شرکت نفتی دولتی و یا خصوصی خارجی و یا داخلی از سوی دیگر، برای انجام تمام و یا قسمتی از عملیات نفتی از قبیل اکتشاف، توسعه، استخراج، تصفیه، فروش و... با هم تنظیم و امضا می نمایند. اساساً یک قرارداد متعارف نفتی به قراردادی گفته می شود که بین دولت یک کشور (و یا شرکت ملی نفت آن کشور) از موضع حاکمیت با یک شرکت نفتی بین

المللی منعقد می کند و با هدف اکتشاف نفت و به دنبال آن توسعه و بهره برداری از میدانهای احتمالی که کشف میشود و عرضه محصولات تولیدی به بازار، شکل می گیرد. و بر اساس آن هر یک از طرفهای قراردادی تعهداتی را بر عهده می گیرند و متقابلاً از منافع نیز برخوردار می شوند.

تعریف قرارداد نفتی در قانون: از طریق قراردادهای نفتی سرمایه گذاری و انجام عملیات نفتی توسط شرکتهای نفتی داخلی و خارجی انجام می شود. در ماده یک اصلاحیه قانون نفت مصوب ۱۳۹۰ از قراردادهای نفتی تعریف گسترده ای شده است. بدین صورت که توافق دو یا چند جانبه بین وزارت نفت یا هریک از شرکت های اصلی تابعه آن با هر واحد عملیاتی یا یک یا چند واحد عملیاتی یا اشخاص حقیقی یا حقوقی در داخل یا خارج از کشور که بر اساس قوانین موضوعه، انجام تمام یا قسمتی از عملیات بالا دستی و پایین دستی و یا تجارت نفت، فرآورده های نفتی و محصولات پترو شیمیایی، مورد تعهد قرار می گیرد. اصطلاح قرارداد های نفتی به طور معمول مربوط به قراردادهای بالا دستی معینی است که بین شرکت ملی نفت یا کارفرما از یک سو و شرکت های نفتی بین المللی یا پیمانکاران از سوی دیگر برای انجام عملیات بالا دستی از جمله اکتشاف، توسعه و بهره برداری منعقد می شود. حسب نوع قرارداد، مذاکره قراردادهای نفتی ممکن است ماه ها بلکه سال ها به طول انجامد. بسیاری از این قراردادها امروزه به صورت تیپ و استاندارد در آمده، در بخشهای گوناگون صنعت نفت مورد استفاده قرار می گیرند.

۲-۱-۲- قراردادهای بالادستی بین المللی نفت و انواع آن

اصولاً هر قرارداد بالا دستی نفتی بین المللی در قالب یکی از سه نوع سیستم حقوقی عمده ی ذیل قرار می گیرد :

- قراردادهای نفتی امتیازی
- قراردادهای نفتی مشارکتی شامل: مشارکت در تولید - مشارکت در سرمایه گذاری

• قراردادهای نفتی خدماتی شامل: خدماتی صرف - ریسکی خدماتی - بیع متقابل قراردادهای نفت و گاز به عنوان یکی از انواع قراردادهای تجاری بین المللی سیر تکاملی را به خود دیده و دارای دسته بندی کلی سه گانه ای هستند که به لحاظ تاریخی از قراردادهای امتیازی که در آن پیمانکار مالک نفت زیر زمین می شد ، آغاز گردیده و با قراردادهای مشارکت در تولید که در آن شرکت پیمانکار در مقدار نفت تولیدی سهم داشته ادامه پیدا کرده و به قراردادهای پیشرفته خدماتی که در آن پیمانکار مبلغی را به عنوان حق الزحمه تولید نفت دریافت می دارد ، رسیده است. تعیین چارچوب حقوقی و قالب قراردادی قراردادهای نفتی، تعیین کننده اصول و مقررات حاکم بر قرارداد است. (شیروی، ۱۴۰۰، ص ۳۲۵)

قراردادهای امتیازی صنعت نفت

نفت در سال ۱۹۰۸ میلادی برای اولین بار در ایران و خاورمیانه پس از هفت سال جستجو در شهر مسجد سلیمان نفت کشف شد. این اتفاق که نخستین اکتشاف نفت در ایران به شمار می رفت، حیات ایران را در جنبه های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی به طور کلی دگرگون کرد و بعد از آن در سایر کشورهای خاورمیانه نفت کشف شد. (اخلاقی، ۱۳۹۵، ص ۲۶)

اولین نوع قراردادها که حقوق ایران در حوزه نفت و گاز تجربه کرده است، قراردادهای امتیازی می باشد. در این نوع از قراردادها، واگذاری مخزن و یا میدانی مشخص از سوی دولت میزبان به شرکت نفتی برای سرمایه گذاری در عملیات اکتشاف، توسعه، بهره برداری و بازاریابی فرآورده های نفت و گاز از سوی آن می باشد و در مقابل دولت ها برای اعطای امتیاز، حق الامتیاز و مالیات دریافت می کنند. در این دسته از قراردادها نفت در جا، در مالکیت دولت باقی می ماند؛ اما درباره نفت استخراج شده، باور بر این است که به مالکیت دارنده امتیاز در می آید. با توجه به اعتراضاتی که از سوی دولت های میزبان به ناعدالتی این نوع قراردادها شد، کم کم شکل این نوع از قراردادها تغییر کرد و عملاً ساختار ها و نظام های نوین امتیازی وارد فضای قراردادهای بین المللی نفت و گاز گردید. در قراردادهای نوین، در

صورت افزایش بهای نفت، سازو کارهایی در راستای افزایش منافع میزبان پیش بینی شده است.

قرارداد نفتی مشارکتی

کشورهای نفت خیز به این جمع بندی رسیدند که قراردادهای امتیازی سبب می شود شرکت نفتی منافع بیشتری نسبت به کشور دارنده نفت حاصل نماید و در نتیجه کشور میزبان نمی تواند از منابع خدادادی خود در راستای توسعه و پیشرفت بیشتر کشور بهره مند شود، به فکر تغییر در الگوی قراردادی برآمدند و اینگونه قرارداد نفتی مشارکتی ایجاد شد.

قراردادهای نفتی مشارکتی به دو نوع قراردادهای مشارکت در تولید و قرارداد مشارکت در سرمایه گذاری تقسیم می شوند و در آنها، نفت و گاز تولید شده میان کشور میزبان و شرکت سرمایه گذار تقسیم می شود و دولت در تولیدی که بر اساس قرارداد انجام می شود، شریک است.

قرارداد نفتی خدماتی یا خرید خدمت

قراردادهای خدماتی یا خرید خدمت که سابقه آنها به دهه ۶۰ میلادی بر می گردد. این نوع قراردادهای نفتی در کشور ما مورد استفاده بسیار است و انواع متفاوتی دارد. قرارداد خدماتی به سه دسته تقسیم می شود:

- قرارداد خدماتی محض یا صرفاً خدماتی
- قرارداد ریسکی خدماتی یا خدماتی خطرپذیر
- قرارداد بیع متقابل

از بین قراردادهای نفتی خدماتی، قراردادهای بیع متقابل نفت کارایی بیشتری دارد، که در آن شرکت نفتی خارجی تمامی مبالغ مربوط به سرمایه گذاری را برعهده می گیرد و بعد از اینکه پروژه راه اندازی شد آن را به دولت مالک نفت واگذار می کند. سرمایه صرف شده و همچنین سود آن به صورت دریافت محصولات تولیدی به شرکت نفتی بازخواهد گشت. در این نوع قرارداد شرکت سرمایه گذار وظیفه دارد تمامی سرمایه مربوط به عملیات اکتشاف،

توسعه و نوسازی را تامین نماید و بعد از آن مسئولیت کنترل بهره برداری و تامین هزینه ها و عملیات جاری بر عهده ی کشور صاحب میدان نفت خواهد بود. این نوع از قراردادهای نفتی از اهمیت خاصی برخوردارند و پروژه‌های آن خطر پذیری اکتشاف نداشته زیرا اجرای این پروژه‌ها در میادین و مناطقی صورت خواهد گرفت که در گذشته ذخایر نفت و گاز در آن‌ها کشف شده است.

۲-۲-۲- اصول حقوقی حاکم بر قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز در عرصه حقوق بین الملل

در برخی کشورهای نفت خیز، اکثراً از نظام حقوقی داخلی بهره می‌برند؛ شرکت‌های نفتی بین المللی باورشان این است که این نظام حقوقی برای حل اختلافات فی مابین داخلی، وضع شده است، مضافاً به گمان این شرکت‌ها، در این گونه کشورها به طور اخص مقررات خاصی برای بهره برداری و معاملات نفتی منعقد میان کشورهای مزبور و شرکت‌های خارجی پیش بینی نشده است. نتیجتاً در اکثر قراردادهای نفتی میان کشورهای تولیدکننده نفت و شرکت‌های خارجی، مضاف بر عنوان حقوق کشور تولیدکننده به عنوان حقوق حاکم بر قرارداد، بر لزوم حاکمیت اصول کلی حقوقی به عنوان قواعد مکمل اشاره شده است تا هم کشور تولیدکننده نفت راضی باشد از این که در صورت اختلاف، مقررات داخلی اش بر قرارداد حکومت خواهد کرد و هم شرکت خارجی آسوده خاطر باشد که در صورت ایجاد مشکل در روابطش با طرف مقابل، اصول حقوقی شناخته شده در نظام حقوق بین الملل ضامن حقوق وی خواهد بود.

بسیاری از احکام داورى بین المللی بر پایه اصولی از این نوع صادر شده اند؛ در این گونه احکام، داوران بیشتر سعی می کنند با مراجعه به اصولی که میان کشور نفت خیز و دنیای خارج از آن مشترک است، اختلاف را پایان دهند و بدین گونه به حکم صادره جنبه بین المللی بدهند. شایان ذکر است که این اصول در قراردادهای نفت و گاز اصل حقوقی

شناخته می‌شوند، اگر چه در قراردادهای سایر رشته‌های حقوقی، بعضی از این اصول، به این عنوان ممکن است شناخته نگردند. (موحد. ۱۳۸۷. ص ۱۵۲)

اصل محرمانه بودن

هنگامی که دو طرف قرارداد شروع به مذاکره می‌کنند، عموماً الزامی برای محرمانه نگه داشتن اطلاعات قرارداد، بر عهده طرفین نیست. به عبارت دیگر، از آنجا که هر طرف مختار است تصمیم بگیرد کدام نکات مربوط به قرارداد در حال مذاکره را می‌توان افشا کرد، چنین اطلاعاتی را باید غیر محرمانه تلقی کرد، یعنی اطلاعاتی که طرف دیگر می‌تواند در صورت منعقد نشدن قرارداد، آنها را برای اشخاص ثالث افشا کند یا از آنها استفاده‌ی شخصی بکند.

نقض محرمانگی اطلاعات باعث مسئولیت مستقیم برای جبران خسارت است. میزان خسارات قابل وصول ممکن است بسته به این که طرفین، موافقت‌نامه‌ی خاصی را در مورد افشا نکردن اطلاعات منعقد کرده‌اند یا نه، فرق کند؛ حتی اگر طرف صدمه دیده متحمل زیانی نشده باشد، ممکن است حق داشته باشد منافعی را که طرف نقض‌کننده‌ی تعهداتش در نتیجه افشای اطلاعات برای اشخاص ثالث یا استفاده از آن برای مقاصد شخصی به دست آورده است، از او مطالبه کند. حفظ اسرار و محرمانه نگاه داشتن مفاد قرارداد، از جمله موارد امنیتی مهم یک قرارداد بالادستی نفت به شمار می‌رود. با توجه به اینکه در قراردادهای بالادستی طرفین از تابعیت‌های متفاوت با قوانین و شرایط مجزا می‌باشند و قرارداد آنها با توجه به تبادل حجم عظیم سرمایه و اطلاعاتی است که از نظر اقتصادی و سیاسی با ارزش محسوب می‌شوند منعقد می‌گردد؛ افشای این اطلاعات ممکن است زیان‌های اقتصادی سنگینی به طرفین، مخصوصاً کشور میزبان وارد آورد. (شیروی. ۱۳۹۳. ص ۴۷).

اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی

در حقوق ایران ماده ده قانون مدنی، اصل آزادی قراردادی را پذیرفته است؛ بدین معنی که جز در مواردی که قانون مانعی در راه نفوذ قرارداد ایجاد کرده باشد، اراده اشخاص حاکم بر سرنوشت پیمان‌های ایشان است و آزادی اراده را باید به عنوان اصل پذیرفت.

این اصل در مرحله نخست بیان می‌دارد که اراده برای انشاء عقد و ایجاد التزام و الزام کافی است و دوم اینکه اراده در تعیین آثار عقد آزاد است؛ بنابراین متعاملین در ایجاد عقد، شروط و اوصاف و نوع تعهد آزاد هستند و مجرد تراضی آنان برای ایجاد التزام کافی است، بدون اینکه به شکل خاصی از عقد یا نحوه بیان اراده انشائی یا استفاده از الفاظ خاصی مقید باشند. اهمیت نقشی که قرارداد در یک سیستم اقتصادی بازی می‌کند قابل انکار نیست. اهمیت موضوع به اندازه ای است که حقوق می‌پذیرد یا در صورتی که در خصوص آن تصمیم نگرفته باشد باید بپذیرد که طرفین قرارداد زمانی که قراردادی را منعقد می‌کنند از آزادی تصمیم‌گیری اقتصادی بهره‌مند شوند.

اصل انصاف

در حقوق داخلی کشورهای متعدد و اسناد بین‌المللی به اصل انصاف اشاره شده است. رعایت رفتار منصفانه در قراردادها به طور کلی به عنوان اصلی کلیدی در جهت ایجاد اهدافی مثل بررسی چگونگی تنظیم شروط قراردادها، برقراری تعادل و توازن در رفتار طرفهای قرارداد، توجه به دگرگونی عصر حاضر در ایجاد، انعقاد و تفسیر قراردادها، تغییر شرایط قراردادی و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در قبال قراردادهای استاندارد، جایگاه ویژه‌ای در حقوق قراردادها و همچنین معاملات قراردادی بین‌المللی یافته است. (موحد ۱۳۸۷ ص ۹۵)

واکاوی جایگاه انصاف در حقوق تجارت بین‌الملل مستلزم بررسی آن در حقوق انگلستان است. با این وجود، انصاف به عنوان یک اصل حقوقی، نه تنها در حقوق تجارت بین‌الملل، بلکه در ابعاد دیگر حقوقی، دارای نقش است. امروزه در اختلافات تجاری بین‌المللی به طور اعم و در قراردادهای بالادستی به طور خاص، اصل انصاف مورد توجه واقع می‌شود، به خصوص آن‌جا که طرفین اختلاف خواهان اعمال این اصل باشند. در مواردی نیز که طرفین فاقد موافقت‌نامه برای حل و فصل منازعات خود باشند، ممکن است این اختیار را به داور بین‌المللی یا مرجع قضایی بین‌المللی واگذار نمایند.

۳- حاکمیت کشورها بر منابع طبیعی

۳-۱- از دیدگاه حقوق داخلی

مفهوم داخلی حاکمیت در صنعت نفت و گاز، این است که کشور صاحب نفت اختیار دارد پروژه های نفتی را مدیریت نماید و نسبت به قانونمند سازی همه مراحل از اکتشاف تا تولید اقدام نماید. حاکمیت در مفهوم داخلی به این معنا است که در واقع تنها مرجع صالح برای اعطای مجوز به شرکت های خارجی جهت سرمایه گذاری، دولت می باشد. توسل به ابزارهای قانونی و شروط قراردادی نظیر قوانین ناظر بر میزان مالیات، حق امتیاز، حقوق گمرکی، الزامات و تعهدات ناشی از نحوه اجرای عملیات اکتشافی و استخراجی، نحوه واگذاری زمین بعد از عملیات اکتشافی، شرایط توسعه، نرخ بازپرداخت هزینه ها و شرایط مربوط به، نفت خام و اندازه گیری آن، شرایط مربوط به قیمت های قرارداد برای حق امتیاز، مالیات هایی که نسبت به سود حاصل از فعالیت وضع می گردد، مالیات های ناشی از عملیات تجاری و همچنین دوره قرارداد، از جمله روش های اعمال حاکمیت از سوی دولت ها است. علاوه بر این مواردی چون اعمال مالکیت دولتی، حاکمیت قوانین دولت میزبان بر قرارداد، ارائه تضمینات دولتی، وجود مکانیزم های کنترلی و نظارتی و حفظ و صیانت از مخازن نیز می تواند به عنوان مکانیزم های حفظ حاکمیت ملی در قراردادهای نفتی قلمداد گردد. بر خلاف دولت میزبان، در قراردادهای نفتی پیمانکاران بر جنبه های فنی، مالی و مدیریتی پروژه احاطه کامل دارند. لذا دولت میزبان سعی دارد از طریق برقراری مکانیزم هایی اعمال حاکمیت خود را در جهت نظارت و کنترل افزایش دهد. از جمله مکانیزم های پیش بینی شده از سوی کشور صاحب منبع در قراردادهای نفتی می توان به تشکیل کمیته مدیریت و یا تهیه برنامه های مختلف مربوط به عملیات نفتی توسط شرکت خارجی و تصویب آنها توسط دولت میزبان اشاره کرد. (شیر محمدی، ۱۳۹۲، ص ۸۶).

۳-۲- از دیدگاه حقوق بین الملل

اصل حاکمیت بر منابع طبیعی در قرن بیستم، به دلیل غارت منابع طبیعی کشورها توسط استعمارگران، نمود پیدا کرد. به تدریج جنبش های ملی کردن منابع طبیعی در اکثر کشورها اتفاق افتاد و کشورهای متضرر درصدد برآمدند که به منظور ایجاد تعادل و برابری در روابط بین المللی، اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی را به عنوان یکی از اصول عرفی حقوق بین الملل عمومی به کار ببرند. در پی تلاش کشورهای صاحب منبع، مجمع عمومی سازمان ملل دسامبر ۱۹۷۴ معاهده حقوق و تکالیف اقتصادی دولت ها را صادر کرد که در آن بیان می داشت: هر کشوری حق حاکمیت مطلق دارد و باید این حق را اعمال کند. این حق حاکمیت، استفاده و در اختیار داشتن تمام ثروت، منابع طبیعی و فعالیت اقتصادی کشور است و دولت ها حاکمیت مطلق و دائمی بر منابع طبیعی خود دارند. در واقع همه دولت ها باید در روابط بین المللی خود به خصوص در روابط اقتصادی و تجاری به اصول مذکور پایبند بوده و آن را اعمال نمایند. از جلوه های مهم اصل حاکمیت بر منابع طبیعی شان که از جمله اصول پذیرفته شده از سوی دولت ها و به منزله یک قاعده است، صلاحیت انحصاری کشورها در بهره برداری از منابع موجود در قلمرو حاکمیتی آنان می باشد. لذا به طور کلی حاکمیت در عرصه منابع نفتی عبارت است از: صلاحیت انحصاری دولتها در بهره برداری از منابع طبیعی واقع در قلمرو آنها اعم از خشکی، دریایی و فضای بالای کشور و به تبع آن بازداشتن دولت های دیگر در استفاده از آن منابع، بدون رضایت دولت صاحب منابع است. این اختیار انحصاری برای هر کشوری وجود دارد، حتی اگر آن کشور قادر به برداشت منابع نباشد.

در صنعت بالا دستی نفت، قبل از ایجاد اصل حاکمیت دائمی کشورها بر منابع طبیعی، سرمایه گذاری به صورت قراردادهای امتیازی بود، بدین نحو که کشورهای صاحب نفت به دلیل عدم آگاهی از ارزش واقعی نفت و عدم وجود سرمایه و فناوری لازم، امتیاز اکتشاف و استخراج از مخازن نفت خود را به شرکت های نفتی بزرگ واگذار می کردند. این شرکت ها تقریباً حقوق انحصاری کشف و بهره برداری مناطق وسیعی از آن کشور را به دست می آورند

و علاوه بر مالکیت، کنترل و مدیریت کامل منبع نفتی را اغلب به مدت طولانی در اختیار داشتند و در عوض مقادیر اندکی سهم مالکانه به دولت میزبان می پرداختند که در مقابل سودی که به دست می آوردند ناچیز بود. اما با تاسیس اصل وضعیت حاکم بر منابع نفتی به گونه ای دیگر دستخوش تغییر شد، بدین صورت که اکثر کشورهای صاحب نفت به ارزش اقتصادی و سیاسی این کالا پی بردند و درصدد ترک قراردادهای امتیازی و ملی کردن صنایع خود برآمدند. از آنجا که منابع نفت ملی است و متعلق به همه مردم یک کشور است، لذا اعمال حاکمیت باید در جهت و بر اساس حفظ منافع مردم آن کشور اعمال شود (اسدی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۵).

۴- حفظ حاکمیت دولت جمهوری اسلامی ایران از طریق وزارت نفت بر منابع و ذخایر نفت و گاز طبیعی کشور:

دولت ها برابر اصل حاکمیت، دارای صلاحیت انحصاری و مطلق هستند و خودشان قواعد الزام آوری حقوقی را به تصویب می رسانند. در قراردادهای جدید نفتی ایران، شرکت ملی نفت ایران به عنوان نماینده انحصاری در اعمال حق مالکیت ملت ایران بر منابع نفتی شناخته شده است و طرف خارجی صرفاً به عنوان پیمانکار شناخته می شود و اعمال امور حاکمیتی مورد نیاز در راستای اجرای مفاد قرارداد فقط به عهده شرکت ملی نفت ایران است. به عبارت دیگر، در جای جای این قرارداد اعمال قوه حاکمه از طریق شرکت ملی نفت ایران به چشم می خورد.

حفظ حاکمیت از اصلی ترین انگیزه های کشورهای نفت خیز، در استفاده از قالب قراردادی خدمت برای انجام عملیات بالادستی، است. زیرا قراردادهای خدمت، در صورت اجرای صحیح، ساز و کار قراردادی مناسبی برای حفظ حاکمیت برای دولت های میزبان بر منابع خود هستند. حفظ حاکمیت با وجود گرایش قراردادهای مشارکت در تولید مصوبه دولت و هم چنین نوع قراردادهای از نظر ساختار حقوقی در رابطه با حفظ حاکمیت و مالکیت

بر منابع، کاملاً صریح می باشد. علاوه بر این، قراردادهای از نظر شکلی از نوع خدماتی است؛ به این معنی که پیمانکار فقط برخی خدمات درخواستی را از طرف شرکت ملی نفت ایران انجام می دهد و در ازای آن حق الزحمه و هزینه های انجام شده را دریافت کرده و نمی تواند هیچ گونه ادعایی درباره منابع موجود در مخازن برای خود در نظر بگیرد.

۴-۱- راه های حفظ حاکمیت ملی در قراردادهای نفتی

در قراردادهای نفتی، به انحاء مختلف ساز و کارهای برای حفظ حاکمیت ملی گنجانده می شود. نظر به اینکه دولت دارای حاکمیت مطلق نسبت به منابع سرزمینی بوده و این حاکمیت در چهره حاکمیت دولت نسبت به این منابع می باشد، تمامی عملیات اکتشاف، توسعه و تولید و استخراج نفت بدون اجازه دولت ممکن نبوده و با نظارت مستمر و دقیق دولت انجام می شود. حال باتوجه به اصل اعمال حاکمیت بر منابع نفت، به بررسی ساز و کارهای حفظ اصل اعمال حاکمیت در قراردادهای نفتی می پردازیم.

اعمال مالکیت دولتی بر منابع نفتی و گازی و تاسیسات مربوطه در قراردادهای نفتی:

برابر ماده سه مصوبه دولت در زمینه الگوی جدید قراردادهای نفتی بیان شده است که حفظ حاکمیت و اعمال تصرفات مالکانه دولت جمهوری اسلامی ایران از طریق وزارت نفت بر منابع و ذخایر نفت و گاز طبیعی کشور از اصول حاکم بر قراردادهای نفتی به شمار می آید.

حاکمیت قوانین ایران بر قرارداد:

برابر ماده پنج مصوبه هیات دولت راجع به نحوه قرارداد مقرر شده که این قراردادها با رعایت قوانین و مقررات حاکم بر معاملات شرکت ملی نفت ایران و پس از کسب مجوزهای لازم از مراجع ذیصلاح قانونی در هر مورد توسط شرکت یاد شده با طرف/ طرفهای قرارداد منعقد می گردد.

وجود ساز و کارهای کنترلی و نظارتی:

از جمله وظایفی که بر عهده وزارت نفت طبق قانون محول شده است می توان به ماده

۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفتی مصوب ۱۳۹۱ اشاره کرد که در بند ۳ ماده ۳ آن به تعیین و بازنگری و نظارت بر حسن اجرای استانداردهای صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی با همکاری دستگاههای اجرائی ذیربط و صدور گواهینامه های لازم از سوی وزارت نفت اشاره دارد.

۲-۴- قوانین و مقررات نظام مالیاتی در صنعت نفت و گاز

مقوله مالیات از مباحث مهم در قراردادهای بالادستی می باشد. این هزینه ها را در قرارداد قید می کنند که توسط پیمانکار پرداخته شوند. مالیاتهای مربوط به قراردادهای نفتی که پیمانکار پرداخت می کند شامل عوارض و مالیات به سازمان امور مالیاتی، شهرداریها، گمرک و سایر نهادهای مربوطه می باشد که ذیل هزینه های سرمایه ای تعریف شده است. در بسیاری از کشورها در زمینه مالیات، اصلی حاکم است که به موجب آن درآمد هر خارجی در آن کشور مشمول مالیات می باشد. بدین ترتیب که آنها با انتخاب پیمانکار خارجی از طریق مناقصه و ایجاد رقابت و دستیابی به اطلاعات شفاف می توانند قیمت قرارداد را کنترل نمایند و هر پیمانکار با کاهش ریسک و مالیات و عوارض می تواند قیمت رقابتی ارائه دهد. فعالیتهای صنعت نفت و گاز در بخش نظام مالیاتی مشمول «قانون مالیاتهای مستقیم» است که در سال ۱۳۴۵ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده بود. این قانون کمی بعد در سال ۱۳۴۸ مورد اصلاح قرار گرفت تا اینکه نهایتاً در سال ۱۳۸۰ قانون جدید مالیاتهای مستقیم به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۹۴ می باشد. طبق مفاد ماده یک این قانون، اشخاص زیر مشمول پرداخت مالیات می باشند: - کلیه مالکین اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت به اموال یا املاک خود واقع در ایران طبق مقررات باب دوم. - هر شخص حقیقی ایرانی مقیم ایران نسبت به کلیه درآمدهایی که در ایران یا خارج از ایران تحصیل می نماید. - هر شخص حقیقی ایرانی مقیم خارج از ایران نسبت به کلیه درآمدهایی که در ایران تحصیل می کند. - هر شخص حقوقی ایرانی نسبت به کلیه درآمدهایی که در

ایران یا خارج از ایران تحصیل می نماید. - هر شخص غیرایرانی (اعم از حقیقی یا حقوقی) نسبت به درآمدهایی که در ایران تحصیل می نماید و همچنین نسبت به درآمدهایی که بابت واگذاری امتیازات یا سایر حقوق خود و یا دادن تعلیمات و کمکهای فنی از ایران تحصیل می کند.

بنابراین طبق ماده فوق هرکدام از این اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی ایرانی و خارجی که طرف قراردادهای نفتی قرار می گیرند، مشمول قوانین مالیاتی این قانون قرار گیرند. لذا کلیه پیمانکاران خارجی اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی، نسبت به کلیه درآمدهایی که در حوزه صنعت نفت و گاز ایران کسب می کنند مکلف و ملزم به پرداخت مالیات هستند. بدین ترتیب مسئله پرداخت مالیات و تکلیف پیمانکار نسبت به پرداخت آن می بایست به طور صریح در قراردادهای نفتی ایران قید گردد. بر اساس روش حقوقی، انتخاب حقوقی ماخذ مالیات در رابطه با اجرای قراردادهای بالادستی به دو دسته تقسیم میشوند که عبارت اند از مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم؛

۳-۴- قوانین داوری در حقوق نفت و گاز

در عصر حاضر، نهاد داوری و علی الخصوص داوری تجاری بین الملل، یک روش کارآمد و پرتطرفدار برای حل منازعات تبدیل شده است. داوری عبارت است از حل و فصل اختلاف از طریق توافق به قبول و تبعیت از تصمیم شخص یا اشخاص ثالثی که مورد اعتماد و منتخب اصحاب دعوی باشند.

از قدیم الایام در ایران، داوری یکی از شیوه های حل و فصل اختلافات، مورد قبول عموم جامعه بوده است. پیش از برپایی نظام قانونگذاری به شیوه نوین و همچنین پیش از ایجاد نظام سازمان یافته قضایی در کشور، مردم برای حل و فصل دعاوی خود به بزرگان قوم خود مراجعه می کردند و رای ایشان را در موضوع مورد اختلاف لازم الرعایه می دانستند. با توجه به جایگاه نهاد داوری در حقوق موضوعه ایران، به ذکر مواد قانونی که در آنها بحث داوری مورد

اشاره قرار گرفته است، می پردازیم.

قوانین داوری برای اولین بار در قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۲۸۹ پیش بینی شد. مهمترین اصلی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حل و فصل اختلافات دولت ایران و طرف دیگر پرداخته است، اصل ۱۳۹ این قانون میباشد. به موجب این اصل «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می کند. در قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ باب هفتم (مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱) اختصاص به داوری دارد. به موجب ماده ۴۵۴ این قانون: «کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا را دارند، میتوانند منازعه و اختلاف خود را اعم از اینکه در دادگاههای دادگستری طرح شده یا نشده باشد، و در صورت طرح در هر مرحله که باشد به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند.

تصویب قانون داوری تجاری بین المللی در سال ۱۳۷۶ نقطه عطفی در روند تغییرات و تحولات قوانین مربوط به داوری در ایران است که دستاورد مهمی در نظام حقوقی ما به شمار میرود. این قانون اقتباس کاملی است از قانون نمونه آنسیترال که با اختلافات بسیار جزئی از آن در حال حاضر بر داوریهای تجاری بین المللی ایران حاکم است. (مجبی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۸)

در عصر حاضر، جهت حل و فصل اختلافات در دعاوی نفتی، سه شیوه عمده تحت عناوین روش قضایی، روش شبه قضایی و روش غیرقضایی به کار می رود.

۴-۴- واکاوی حقوق نفت و گاز عربستان و عراق

۴-۴-۱- سیاستگذاران کلان صنعت نفت و گاز عربستان

با توجه به اینکه کشور عربستان دارای منابع فراوان نفت و گاز است، وجود مراجعی که عهده دار رسیدگی به امور این منابع باشند، ضروری است. بنابراین توجه به نقش این مراجع

جهت احاطه بیشتر بر سیاست‌های کلان نفتی این کشور لازم است. در این بخش به معرفی این ارکان می‌پردازیم.

پادشاه عربستان

در کشور عربستان اتخاذ تصمیمات کلان حوزه نفت و گاز با پادشاه است و هیچ مرجعی از جمله وزیر نفت و منابع معدنی یا شرکت آرامکو، قدرت و سازوکار رسمی جهت انتقاد از تصمیمات وی را ندارند. پادشاه معمولاً سیاستهای صنعت نفت و گاز را پس از مشورت با ولیعهد، وزیر نفت و رئیس شرکت آرامکو اتخاذ می‌نماید، اما به دلیل اهمیت مسائل نفت و گاز برای خاندان حاکم، نفوذ چشمگیر شاهزادگان، امکان تغییرات ناگهانی در سیاستهای این حوزه بدون توجه به نظرات ایشان وجود ندارد.

شورای عالی نفت

شورای عالی نفت، مشتمل بر اعضای خانواده آل سعود، وزرای مرتبط با صنعت نفت و گاز در سال ۲۰۰۰ میلادی تشکیل گردید. این شورا متشکل از ده عضو شامل ولیعهد عربستان، وزیر انرژی، صنعت و مواد معدنی، وزیر اقتصاد و برنامه ریزی، وزیر مالیه، وزیر ارتباطات مضاف بر پنج عضو از اعضای هیأت مدیره شرکت آرامکو سعودی می‌باشد. شورای عالی شرکت نفت عربستان سعودی، سیاستهای کلان نفتی عربستان را اتخاذ کرده و در تمامی موضوعات انرژی از جمله تصمیم‌گیری در مورد سیاستها و استراتژیهای کلی مربوط به بخشهای نفت و گاز طبیعی و نظارت بر آنها قدرت ورود و تصمیم‌گیری نهایی دارد.

شرکت ملی نفت (آرامکو سعودی):

شرکت ملی نفت آرامکو سعودی متعلق به دولت عربستان سعودی می‌باشد. این شرکت، یک شرکت نفتی است که اکتشاف، تولید، پالایش، توزیع، حمل و نقل و بازاریابی نفت و گاز را در دست دارد. در دهه ۱۹۹۰ میلادی، کشف میدان‌های متعدد و تولید و فروش نفت ارزان و همچنین بالارفتن تقاضای جهانی، باعث شد مالکیت بخش عظیمی از ذخایر شناخته شده در اختیار شرکت آرامکو باشد. دفتر مرکزی شرکت، در شهر ظهران واقع است.

(فرشادگهر، ۱۳۹۱، ص ۵۸). اکتشاف و تولید نفت خام عربستان سعودی منحصر در اختیار شرکت آرامکو سعودی است که مسئولیت شکل دهی سرمایه گذاری های مشترک با شرکتهای بین المللی در زمینه اکتشاف نفت و گاز طبیعی و همچنین پالایش نفت را بر عهده دارد. وزارت انرژی، صنعت و منابع معدنی و شرکتهای وابسته به آن در بخشهای معدنی و نفت، مسئول نظارت بر این پروژه ها هستند. به طور کلی آرامکو در پی بهبود بخشیدن به فعالیتهای بالادستی و پایین دستی و همچنین پیشرفت در اکتشاف و استخراج، تکنیک های تولید نفت، گاز، پتروشیمی، انرژی های تجدیدپذیر خود از طریق مشارکت با شرکتهای تابعه و اشتراک گذاری دانش و توسعه استانداردها می باشد.

وزارت انرژی و منابع معدنی

رسالت این وزارتخانه، نظارت و مدیریت بر کشف و بهره برداری از منابع پادشاهی نفت، گاز و مواد معدنی، رسیدن به بالاترین نرخ بازگشت و همچنین اجرای اهداف راهبردی صنعت نفت و گاز عربستان می باشد. از جمله وظایف این وزارتخانه می توان به موارد ذیل اشاره نمود: نظارت و پیگیری فعالیت شرکت های نفتی عربستان در ارتباط با اکتشاف و تولید و همچنین حصول اطمینان از اجرای الزامات امنیتی و ایمنی، پیگیری مطالعات و پژوهش ها توسط شرکتهای فعال به منظور تجزیه و تحلیل و ارزیابی ارائه شده در جهت توسعه میدانی، تکمیل و کشف زمینه های جدید، کنترل تولید نفت و گاز طبیعی و اطمینان از مطابقت مقدار تولیدی با سیاستهای اتخاذ شده از گذشته، حسابرسی شرکتهای نفتی، هزینه های آنها و نیز درآمدهای دولت، جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات و آماده سازی مطالعات نفت با توجه به تولید، قیمت، عرضه و تقاضا برای نفت و انرژی جایگزین محلی و بین المللی، ایفای نقش نسبت به مطالعات انجام شده در سازمان و سمینارهای مرتبط به نفت و بخش انرژیهای جایگزین و نیز تهیه نقشه های نفت و مواد معدنی. (اسدی، ۱۳۹۰، ص ۴۲).

۴-۲- قوانین داوری در صنعت نفت و گاز عربستان

عربستان یکی از مقاصد سرمایه گذاری در منطقه غرب آسیا می باشد. از آنجا که درصد زیادی از کل حجم سرمایه گذاری در عربستان سعودی متعلق به خارجیان است، بنابراین دولت مسئول است تا از حفاظت سرمایه گذاران خارجی به وسیله قانون اطمینان حاصل نماید. این کشور سعی دارد جهت جذب تجارت خارجی و بهبود محیط تجاری خود، در کنار پارامترهای جذاب حاکم بر تجارت برای جامعه، فاکتورهای حمایت از سرمایه گذاری خارجی را نیز مورد توجه قرار دهد. در عربستان سعودی دو رویکرد اصلی برای حمایت از سرمایه گذاران خارجی و حل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری در صورت ایجاد اختلاف با دولت عربستان سعودی یا دیگر تجار خصوصی وجود دارد. نخست استفاده از دادخواهی قضایی است که در آن مدعی میتواند جهت اقامه دعوا، دادخواست خود در ارتباط با موضوع مورد اختلاف را برای تصمیم گیری به دادگاه های عربستان ارائه دهد. این روش به دلیل محدودیت های سنتی و تاریخی از جمله محدودیت زبانی و عدم درک طرفین از زبان یکدیگر، و نیز هزینه های دادرسی بسیار بالا یک مکانیزم مناسب برای حل اختلافات مربوط به سرمایه گذاران خارجی در عربستان نبوده و چندان مطلوب سرمایه گذاران خارجی نمی باشد. (بهجت، ۱۳۹۴، ص ۱۱۲)

روشهای حل اختلاف جایگزین است که شامل سه روش اصلی داوری، مصالحه و میانجی گری بوده و برای حل اختلافات سرمایه گذاران خارجی پیش بینی شده است. اما آنچه که بیش از همه در عربستان سعودی مورد توجه قرار گرفته بحث داوری است. داوری و استفاده از آن به ویژه در زمینه اختلافات سرمایه گذاری خارجی دارای مزایایی از جمله آزادی در انتخاب داوران، تسریع فرآیند داوری، هزینه نسبتاً کم، کارآمد بودن و ارتقاء همکاری های سرمایه گذاری است که دیگر مکانیزم های حل اختلاف از آن بی بهره اند. بنابراین در عربستان عموماً از شایعترین روش حل اختلاف یعنی روشهای حل اختلاف جایگزین به ویژه داوری استفاده می شود و مکانیزم دادخواهی به عنوان اولویت دوم روشهای حل اختلاف در نظر گرفته

میشود.

نظر به مقبولیت داوری در مقیاس بین المللی، این روش موثرترین روش حل اختلاف جایگزین است. از آنجا که سطح سرمایه گذاری های خارجی در هر کشوری با ثبات قوانین مربوط به حمایت از سرمایه گذاری آن، ارتباط مستقیم دارد، در همین راستا ماده ۶ قانون سرمایه گذاری خارجی عربستان اظهار میدارد که هر سرمایه گذار خارجی مجاز در چهارچوب این قانون، حق دارد از تمامی منافع، مزایا و تضمین های توسعه یافته به پروژه های ملی برخوردار شود. لذا استفاده از داوری به عنوان یک مزیت برای سرمایه گذاران خارجی در حل و فصل اختلافات ایجاد شده در نظر گرفته شده است.

۴-۳- انتقال فناوری در صنعت نفت و گاز عربستان

عربستان برای توسعه بخش تحقیقات و مراکز تحقیقاتی، سرمایه گذاری انجام داده است. شرکت نفت آرامکو همواره می کوشد تا نوآوری هایی در صنعت نفت و گاز انجام دهد. این امر در گرو تداوم تحقیقات و توسعه تکنولوژی در بخشهای مرتبط با این صنعت است. آرامکو در حوزه های تحقیقاتی بالادستی از جمله بهبود بازیافت نفت، پیش بینی کیفیت مخزن، بهینه سازی حفاری و افزایش بهره وری با دانشگاه نفت و مواد معدنی عربستان مشغول به کار است. این دانشگاه و شرکت آرامکو عربستان سعودی مشارکت طولانی مدت و چندجانبه در امر آموزش و پژوهش دارند. (جعفری، ۱۳۹۶، ص ۸۷).

مراکز تحقیقاتی داخلی:

برای حداکثر استفاده از منابع نفتی، به کار گیری فناوری جز ملزومات است، این کشور در عرصه داخلی تلاش زیادی جهت توسعه و تجاری کردن فناوری های نوین حوزه بالادست نفت و گاز و تقویت ظرفیتهای پژوهشی از طریق سرمایه گذاری و ایجاد موسسات علمی- تحقیقاتی و مشارکت و همکاری با مراکز محلی و جهانی و نیز شرکتهای خدمات انرژی در پارکهای تحقیقاتی و نوآوری دارد.

موسسه فنی خدمات نفت عربستان:

به منظور رعایت الزامات صنعت نفت در عربستان و پاسخگویی به نیازهای خدماتی صنعت نفت، در سال ۲۰۰۸ میلادی، به ابتکار وزارت انرژی و با حمایت مالی شرکت آرامکو تاسیس گردید. امکانات موسسه که شامل کلاسهای درس، کارگاهها، آزمایشگاهها به همراه با وسایل فنی و تجهیزات است در شهر دمام مستقر می باشد. این مرکز قادر به پر کردن موقعیتهای حرفه ای در صنعت نفت، آموزشهای صنعتی مورد نیاز برای برآورده ساختن نیازهای صنایع نفت و گاز است.

۴-۴-۴- مروری بر حقوق نفت و گاز عراق

برای نظارت دقیق بر مسائل نفت و گاز، مقنن عراقی راهکارهایی در نظر گرفته است. در ماده ا قانون نفت و گاز عراق مقنن به بیان تعاریف پرداخته است و به بیان این مطلب می پردازد که وزارت نفت عراق مسئول اصلی تمام وظایف و اختیارات در خصوص منابع نفتی و گازی کشور عراق است. در سلسله مراتب نظارتی و بازرسی قانون عراق اقدام به پیش بینی هیاتی تحت عنوان هیات صالح نموده است که تحت نظر وزارت نفت می باشد و در مناطق مختلف نفتی به فعالیت می پردازد (منظور از مناطق مختلف در قانون نفت عراق بخش های مختلف و مناطقی است که بر اساس قانون اساسی عراق شکل گرفته اند) و در نهایت شورای نفت و گاز که بر اساس قانون دارای وظایف و اختیارات خاص خود می باشد.

مطابق ماده ۵ قانون نفت عراق شورای نفت متشکل از اعضای ذیل می باشد:

- رییس شورا

- جانشین رییس شورا

- وزیر اقتصاد

- وزیر نفت

- وزیر برنامه ریزی و همکاری و توسعه

- سه کارشناس در بخش های نفت و گاز، اقتصاد.

برابر قانون مزبور، شورای نفت موظف به تصویب قراردادهای بین‌المللی نفت می‌باشد و امور قانون‌گذاری در این حیطه را برعهده دارد، بنابراین می‌توان گفت این شورا به نوعی به صورت مستقیم به کنترل و نظارت و بازرسی می‌پردازد و این اجازه را دارد تا با مسائل مغایر اهداف و سیاست‌های کلی منافع عراق از طریق عدم تصویب قراردادها مقابله کند.

برابر ماده ۱۱، وظایف وزارت نفت بدین شرح است: نظارت و بازرسی عملیات نفتی که بر اساس قانون و مقررات قرارداد و اصول حاکم بین‌المللی باشد - تبیین و آماده‌سازی نمونه‌های دستورالعمل و آیین‌نامه‌های نفت - پیشنهاد طرح برنامه و قانون - براین اساس وزارت نفت دارای نقش کلیدی و اساسی در نظارت و کنترل قراردادهای نفتی و نحوه اجرا و اعمال آنها می‌باشد.

برای انعقاد قراردادهای نفتی عراق، روند قانونی بدین گونه است که شرکت‌های متقاضی اجرای عملیات نفتی در میدان مورد نظر طی یک فرایند رقابتی در مناقصه‌ای که توسط شرکت ملی نفت برگزار می‌شود شرکت می‌کنند. طبق بند دوم ماده ۹ قانون نفت و گاز عراق یکی از وظایف و اختیارات شورای نفت، تایید صلاحیت شرکت‌ها در مناقصات می‌باشد، به موجب همین بند شورای مذکور باید تنظیمات تهیه شده در مورد استانداردهای به کار رفته در مذاکرات را تایید نماید. پس از طی نمودن تمام این مراحل و انعقاد قرارداد توسط برنده مناقصه با شرکت ملی نفت، به موجب بند سوم ماده ۹ قانون نفت و گاز، شورای فدرال باید قراردادهای منعقد شده را تصویب و در صورت لزوم اصلاح نماید. (یوسف‌نیا، ۱۳۹۵، ص ۴۲)

برخی دیگر از وظایف وزارت نفت عراق وفق ماده یازده بدین شرح است:

- تنظیم و تدوین سیاست‌های نفتی و قوانین مربوطه و برنامه‌ها، و نیز آماده‌کردن آئین‌نامه‌های لازم جهت اجرای این سیاست‌ها و قوانین در عراق

- تدوین یک برنامه جامع اکتشاف در کل کشور عراق با همکاری استان‌ها

- نظارت بر اجرای فعالیت‌های نفتی در سطح قراردادها و قانون‌گذاری‌های مرتبط، با همکاری استان‌ها برای اطمینان از یک دست اجرا شدن سیاست‌های نفتی در کل کشور

- تدوین یک برنامه ی موفق برای توسعه میداین اکتشاف شده اما توسعه نیافته، و تصویب آن توسط شورای نفت

- تهیه مدل قراردادی عراق

نظارت بر عملیات نفتی به عهده وزارت نفت عراق است. وزارت نفت عراق، وظیفه دارد که بر اجرای عملیات نفتی نظارت نماید. نظارت بر قراردادها یکی از حقوق کشورهای میزبان در قراردادهای نفتی می باشد، چرا که تضمین حسن اجرای قراردادها بر این نظارت ها بستگی دارد. قراردادهای نفتی بدلیل حجم بالای سرمایه گذاری و ارتباط آن با مسائل کلان سیاسی و اقتصادی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این مهم موجب شده است دولتها از همان ابتدای واگذاری، تا اجرای آن از طریق قانونگذاری و تنظیم قراردادهای نفتی مورد تایید، بر آن کنترل و نظارت داشته باشند. در قرارداد نفتی در هنگام تنظیم قرارداد و پس از آن در بازه های زمانی مشخص شده، طرفین قرارداد روشهایی را جهت تسهیل و انجام قرارداد و نظارت بر انجام صحیح قرارداد تنظیم می کنند که معمولا این روشها یا رویه ها که تحت عنوان رویه های هماهنگی از آن در قراردادها یاد می شود از سوی پیمانکار تنظیم می شود و در صورت موافقت شرکت ملی نفت در قرارداد گنجانده می شود و در طول مدت اجرای قرارداد می تواند تغییر کند یا به روز شود که در صورت موافقت شرکت ملی نفت، رویه های هماهنگی اصلاح شده، جایگزین نسخه های اولیه می شوند.

۴-۵- مقایسه تطبیقی حقوق نفت و گاز ایران و عربستان

در عربستان مسئول امر جذب، تشویق، توسعه، نظارت و به طور کلی بهبود محیط سرمایه گذاری و همچنین صدور مجوزهای لازم جهت سرمایه گذاری های داخلی و خارجی تنها بر عهده سازمان سرمایه گذاری عمومی این کشور می باشد. چهارچوب قانونی امر سرمایه گذاری نیز صرفا در قانون سرمایه گذاری خارجی و مقررات اجرایی آن تعیین شده است. بر اساس قانون مذکور، خارجیان مجاز به سرمایه گذاری در تمام بخش های اقتصاد هستند، جز

فعالیت‌های خاص مذکور در «فهرست منفی» که توسط شورای عالی اقتصادی عربستان منتشر می‌شود. مطابق این فهرست هیچ ممنوعیتی درخصوص سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه صنعت گاز و همچنین حوزه نفت به چشم نمی‌خورد.

در صنعت نفت و گاز، سرمایه‌گذاری همواره در قالب انعقاد قراردادها، انجام می‌شود. به موجب قانون‌گذاری‌های انجام شده کشورمان پس از انقلاب، بیع متقابل به قالب رایج قراردادی در بخش بالادستی نفت و گاز تبدیل شده و گام بلندی در راستای تامین منافع ملی و اصول حاکمیتی ایران و همچنین حفظ حاکمیت و مالکیت کشور نسبت به منابع نفت و گاز برداشته شد. قرارداد بیع متقابل در دوره‌ای عملکرد بسیار مطلوبی در جهت جذب سرمایه‌های خارجی و افزایش چشمگیر تولید از خود نشان داد اما به مرور زمان نیاز به سیستم حقوقی جدیدتری احساس شد. موانع خارجی از جمله افزایش قیمت نفت، اقتصادی شدن میادین نفتی دیگر نقاط جهان، بالا رفتن ریسک سرمایه‌گذاری در خاورمیانه و همچنین تحریم ایران سبب شد تا نسل جدید قراردادهای نفتی ایران با هدف ایجاد جذابیت لازم برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی طراحی گردد. (جعفری، ۱۳۹۶، ص ۱۰۲)

به جهت حکومت فضای غیررسمی بر سیاست‌گذاری صنعت نفت عربستان، اطلاعات چندانی در باب قراردادهای نفتی این کشور در دست نیست، اما نکته قابل تامل آن است که نقش حکومت سعودی در بازار انرژی، جایگاه این کشور در میان تولیدکنندگان نفت و همچنین دستیابی آرامکو به فناوری‌های صنعت نفت به ویژه حوزه بالادستی به وضوح حاکی از آن است که شرکت آرامکو به عنوان مدیر و کنترل‌کننده بخش نفت و گاز عربستان، از قراردادهای رایج در صنعت نفت از جمله قرارداد امتیازی مدرن و قراردادهای خدماتی در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی بهره می‌برد.

سیستم اکثر قراردادها در کشورمان ایران، تاکنون بیع متقابل بوده است. مالیات بر درآمد پیمانکار طبق قوانین مالیاتی ایران، توسط پیمانکار تعهد و پرداخت می‌گردد. مسئولیت قانونی پرداخت حقوق گمرکی و عوارض کالا و تجهیزاتی که در راستای اجرای پروژه وارد می‌شود

بر عهده شرکت ملی نفت ایران خواهد بود. کلیه منابع مالی که پیمانکار در راستای تحقق اجرای پروژه مورد نظر صرف کرده از عواید اجرای همان قرارداد پرداخت می شود و بانکها و موسسات دولتی نباید اصل سرمایه و سود پیمانکار را تضمین کنند.

رژیم مالیاتی عربستان سعودی که در صنعت نفت و گاز طبیعی اعمال می شود، شامل مالیات بر درآمد شرکتها می باشد. این نکته علاوه بر توافقات امتیازی نفت، در قانون مالیات بر درآمد عربستان نیز ذکر شده است. نرخ مالیاتی در نظر گرفته شده برای فعالان حوزه سرمایه گذاری نفت و گاز در قانون مالیات بر درآمد عربستان سعودی بیان شده است.

بر اساس نظام مالیاتی حاکم بر قراردادهای بالادستی نفت و گاز عربستان سعودی، تمامی فعالیت های انجام شده در حوزه نفت و گاز عربستان سعودی مشمول مالیات بوده و فعالان این حوزه اعم از سعودی و غیرسعودی موظف به پرداخت مالیات به حکومت می باشند. در رابطه با نرخ مالیات، مطابق این قانون نرخ مالیاتی برای مالیات دهندگانی که صرفاً در حوزه سرمایه گذاری گاز مشغول به فعالیت هستند، ۳۰ درصد و برای مالیات دهندگانی که در تولید نفت و مواد هیدروکربنی مشغول به کار می باشند، ۲۷ درصد است. مالیات بر درآمد شرکت همچنین یکی از مباحث اصلی مالی مطرح شده در توافقات امتیازی نفت عربستان سعودی می باشد. با توجه به اینکه حجم درآمدهای مالیاتی عربستان در هیچ یک از اسناد و پایگاه های داده های داخلی و بین المللی مورد اشاره قرار نگرفته و سند بودجه این کشور صرفاً مبین کل درآمدهای دولت است، به نظر می رسد بیشترین درآمد عربستان سعودی حاصل مالیاتی است که از سرمایه گذاران دریافت میکند.

قانون داوری تجاری بین المللی در حال حاضر بر داوری های تجاری بین المللی ایران، حاکم است. قوانین و مقررات حوزه داوری کشور ایران با پذیرش کنوانسیون نیویورک در مورد شناسایی و اجرای احکام داوری، تا حد زیادی اعتلا پیدا نمود. باتوجه به الگوبرداری قانونگذار کشورمان از مقررات آنسیترال و همسویی قوانین ایران با برخی از جهت گیری های جهانی و نیز خصیصه بین المللی بودن رویه های حاکم بر صنعت نفت به نظر می رسد، تبیین

ساختار شروط داوری قراردادهای بین المللی نفت و گاز کشورمان بر اساس مقررات متحدالشکل و ارجاع حل و فصل اختلافات به مراجع بین المللی داوری نهادی، امری اجتناب ناپذیر خواهد بود.

عربستان سعودی با تأسی از قانون نمونه آنسیترال، قانون جدید داوری خود را در سال ۲۰۱۲ به تصویب رسانده و در جهت افزایش سرمایه گذاریهای داخلی و خارجی به عضویت کنوانسیون های اصلی داوری بین المللی نظیر کنوانسیون نیویورک در مورد شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی درآمده است.

اختلافات ناشی از سرمایه گذاری در حوزه بالادستی نفتی عربستان در چهارچوب نظام حقوقی عربستان سعودی می توانند مورد داوری قرار گیرند. این کشور در راستای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات دست به اقداماتی از جمله راه اندازی مرکز داوری تجاری برپایه قواعد داوری آنسیترال نموده است. داوری تحت قواعد این مرکز، یک روش رسمی است که منجر به صدور تصمیم الزام آور از یک محکمه داوری بی طرف می شود که قابل اجرا بر اساس قوانین داوری داخلی و معاهدات بین المللی مانند کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ است (جعفری، ۱۳۹۲، ص ۱۵۱).

بحث انتقال فناوری در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز ایران همواره مورد اهمیت واقع شده و از زمان انعقاد اولین قرارداد بیع متقابل تاکنون در قالب یکی از الزامات و شروط مندرج در قراردادهای بالادستی ذکر شده است. به همین جهت به جای تکیه بر قراردادهای نفتی، با کشورهای صاحب فناوری وارد مذاکره شده و مستقلاً قرارداد انتقال فناوری منعقد نماییم و در سایه این قراردادها با ایجاد فضای مناسب برای متخصصین داخلی از توانایی ایشان در جهت دستیابی به خودکفایی فناورانه بهره ببریم.

تولید نفت و گاز عربستان سعودی مدیون ساختار حقوق نفت و گاز آن کشور می باشد. سیاست گذاری ها در تمامی بخشهای صنعت نفت و گاز عربستان سعودی صرفاً توسط شرکت آرامکو صورت می پذیرد، همین امر سبب شده است که آرامکو سعودی ظرفیت های

قراردادی خود را جهت بهره برداری از منابع به کار گیرد.

ایران دارای قوانین و مراجع قانون گذاری و نظارتی می باشد. این سیستم نظارتی منجر به ارتقای سیستم حقوق نفت و گاز میهن عزیزمان گشته است. نهادهای قانونگذاری همواره باعث صدور قوانین کارآمد شده است. با گذشت زمان الزامات قانونی متعددی در این راستا مقرر شد که نتیجتاً اکثر قراردادهای مورد استفاده در بخش بالادستی ایران شامل قراردادهای خدماتی بیع متقابل و قراردادهای جدید نفتی ایران می باشد. همچنین می بایست میزان بهره وری از منابع و کارآمدی صنعت نفت و گاز کشورمان را افزایش دهیم. فلذا به منظور توسعه اقتصادی کشور، با تنظیم قانون کلی و جامع، در جهت رشد و توسعه هرچه سریعتر اقتصاد کشور عزیزمان گام برداریم.

۴-۶- مقایسه تطبیقی حقوق نفت و گاز ایران و عراق

بعد از واکاوی مقررات نفتی ایران و مذاقه در قراردادهای بیع متقابل و قراردادهای جدید نفتی ایران و مقایسه آن با نمونه قرارداد های عراق و همچنین با نگاهی به لایحه قانون نفت عراق موارد ذیل برداشت می شود. بر اساس قانون، مبحث نظارت و بازرسی در ایران، مورد تاکید فزاینده است به شکلی که در بخش های مختلف و در مراحل و مقاطع گوناگون، شخص پیمانکار (اعم از اصلی و فرعی) موظف است در سررسیدهای معین برای انجام عملیاتهای اجرایی پروژه، کارفرما را به وسیله گزارشات مشخص و معین که شرح چگونگی نگارش آنها بصورت کامل در شرح وظایف پیمانکار در قرارداد و قانون ذکر گردیده؛ به انجام رساند.

همه گزارشات باید، به کارفرما برای تصویب و تایید ارائه گردد. با نگاهی دقیقتر به این پروسه در می یابیم که مقنن این قراردادها به دنبال این نکته بوده اند که با تعبیه این پروسه، نظارت و بازرسی دقیق بر اعمال انجام شده در عملیاتهای نفتی که توسط پیمانکار صورت می گیرد داشته باشند و در صورتیکه بیم تخریب از مفاد قرارداد و یا قانون احساس گردد با

عدم تصویب گزارشات و صورتهای مالی و برنامه ها، کنترل خود را اعمال نمایند. در طرف مقابل با واکاوی انجام شده، برداشت می شود که عراق در حال حاضر قانونی مبنی بر نظارت دقیق بدان معنا که در قوانین ایران مورد اشاره و بررسی قرار گرفت، ندارد. اما می توان از لایحه قانون نفت عراق نام برد که در سال ۲۰۰۷ تدوین گردید و در سال ۲۰۱۱ در پارلمان عراق مورد بررسی قرار گرفت در لایحه نفت عراق پیشنهاد کنندگان آن از ایجاد سه مرحله برای نظارت و بازرسی در قراردادهای نفتی عراق صحبت کرده اند. ابتدای امر شورای وزارت نفت عراق که بصورت کلی در راس امور نفتی و قراردادی عراق قرار دارد و در ذیل آن صحبت از شورای نفت و گاز گردیده و در نهایت شورای وزارت به عنوان سومین حلقه در لایحه نفت و گاز عراق مطرح گردیده است. (فغانی، ۱۳۹۲، ص ۶۷)

با مذاقه در قرارداد های عراق متوجه می شویم که در نظام قراردادی عراق در ابتدای امر کمیته ای تحت عنوان کمیته مدیریت مشترک که متشکل از نمایندگان پیمانکار و کارفرما می باشد تشکیل می شود که از همان ابتدا بخش مهمی از وظیفه بازرسی و نظارت را عهده دار می باشد و در ادامه و با شروع عملیات اجرایی در صورت لزوم کمیته های فرعی تحت نظارت کمیته نامبرده به ایفای وظایف در زمینه های مختلف از جمله نظارت و بازرسی می پردازند. همچنین در قرارداد نمونه عراق، هیات مدیره شرکت عملیات مشترک متشکل از نمایندگان کارفرما و پیمانکار وجود دارد که پس از تشکیل آن، کلیه وظایف کمیته مدیریت مشترک و کنترل و نظارت عملیات نفتی بر عهده این هیات می باشد.

نظر به این که در نگاه اول مکانیزم های هر دو قرارداد تا حدود زیادی مشترک می باشد، اما در ایران با بیانی دقیق تر می توان این امر را مطرح نمود که سیستم کنترل و نظارت در بخش قراردادی ایران دقیق تر و بیشتر از سیستم قراردادی عراق است، دلیل این امر آنست که در مکانیزم های پیش بینی شده در قراردادهای نفتی ایران جزئیات مسائل با دقت بیشتری طراحی و مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین در ایران تصمیمات اتخاذی در کمیته های فرعی و کمیته مدیریت مشترک و کلیه اقداماتی که پیمانکار می بایست در راستای انجام عملیات نفتی

انجام دهد باید به تایید شرکت ملی نفت برسد. اما در قراردادهای نفتی عراق معمولاً صرف تصویب کمیته ها و صاحبان امور نظارتی پیش گفته برای اجرایی شدن آن تصمیمات کفایت می کند.

در پاسخ به این سؤال که آیا وجود سیستم نظارت و بازرسی گسترده در ایران باعث صرف دقت زیادی گردیده است یا خیر؟ می توان پاسخ مثبت داد از این جهت که در نظام بازرسی و کنترل ایران اکثر امور می بایست در دو مرحله به تصویب مقامات ذکر شده برسد که این مستلزم اعمال نظارت بیشتر در طی انجام عملیات نفتی است. به عنوان مثال وقتی که پیمانکار در بخشی از عملیات، موظف به دادن گزارش و گرفتن تایید آن از کمیته ای خاص است که آن کمیته نیز پس از تصویب آن موظف به ارائه آن به کمیته مدیریت مشترک و یا شرکت ملی نفت می باشد که در این راه حتی اگر دو نهاد مذکور با گزارش ارائه شده موافق نیز باشند، صرف مطرح شدن و تایید آن مستلزم صرف دقت بیشتر می باشد. (بهجت، ۱۳۹۴، ص ۱۴۸)

باید توجه داشت که پیمانکار در پروژه های نفتی به مانند پیمانکار در قراردادهای پیمانکاری نیست و با هزینه و ریسک خود پروژه را انجام می دهد و بنابراین تمایل دارد که آزادی بیشتری در صرف هزینه و برنامه های عملیاتی، کاری و بودجه داشته باشد، چرا که پیمانکار بیشتر از کارفرما نگران بازپرداخت وام و تسهیلات می باشد و تمایل دارد پروژه را ارزانتر به اتمام برساند. البته باید گفت بعضی از کنترل و نظارتهای کارفرما بسیار بجا و خوب می باشد از جمله می توان به کنترل و نظارت در خصوص گزارشات و نحوه انجام عملیات نفتی، حسابرسی هزینه ها برای اینکه پیمانکار نادرست هزینه هایی را در سیستم وارد نکند و کنترل های موثر در انتقال تکنولوژی اشاره کرد.

نتیجه گیری

قدر مسلم است که مدیریت حقوقی قراردادهای نفت و گاز و انعقاد قراردادهای بهینه، تامین کننده منافع کشورمان می‌باشد. نسل جدید قرارداد های نفتی ایران به منظور بهینه‌سازی قراردادهای بیع متقابل و با هدف انتقال دانش و فناوری طراحی شد. این قراردادها یک الگو و روش برای توسعه اقتصادی کشور می‌باشند. برای اجرای قراردادهای نفتی شرکت خارجی مکلف است با شرکت های ایرانی مشارکت نماید. هدف عمده این تعامل، انتقال فناوری و دانش تکنولوژی است. رعایت اصول حاکم بر قراردادهای نفتی در کلیه قراردادهای بالادستی الزامی است.

در حوزه داوری در اختلافات بین المللی تصویب قانون داوری تجاری بین المللی در سال ۱۳۷۶ نقطه عطفی در این زمینه بود. در نظام حقوقی ایران، مواد قانونی متعددی در ارتباط با سرمایه گذاری خارجی وجود دارد و مهم ترین عامل جذب سرمایه گذاری خارجی، وجود قوانین و مقررات با ثبات به همراه ارائه تضمین های حقوقی به سرمایه گذاران خارجی است. مالیات از مهم ترین مولفه های یک قرارداد در صنعت نفت و گاز است که قوانین و مقررات مربوطه در این نگارش به تفصیل بیان گردید. از آنجا که میهن عزیز اسلامی ما، ایران دارنده مقادیر زیادی از نفت و گاز جهان می‌باشد، فلذا اهمیت حقوق نفت و گاز بیش از پیش آشکار می‌گردد. البته که حقوق نفت و گاز سایر کشورها نیز خالی از اشکال نمی‌باشد. ولیکن با مطالعه تطبیقی می‌توان سیستم حقوق نفت و گاز را بهینه نمود و در راستای اعتلای کشور ایران گام برداشت.

هنگامی که درخصوص مسائل پروژه بین کارفرما و پیمانکار اختلاف حادث شود راهکارهایی وجود دارد که با سرعت بیشتری موضوع حل و فصل شود. به عنوان مثال می‌توان برای تصویب گزارشات یا تصمیمات از سوی کارفرما، بازه زمانی خاصی مشخص می‌شود، مثلا در صورت دریافت موارد یاد شده ظرف مدت ۱۵ روز و عدم اظهارنظر کارفرما در فرجه زمانی مذکور، گزارشات و تصمیمات، تصویب شده تلقی می‌گردد و یا در صورت بروز

اختلاف، طرفین می توانند موضوع را به کارشناس امر ارجاع نمایند که در یک بازه زمانی معقول نسبت به موضوع رسیدگی و نظر کارشناسی خود را اعلام نماید، یا در بسیاری از موارد موضوع در کمیته مدیریت مشترک بررسی و نمایندگان ارشد طرفین که عضو کمیته می باشند با یکدیگر موضوع را حل و فصل می نمایند که شرکت ملی نفت ایران نیز، با تصمیمات اتخاذ شده در این راستا موافقت می نماید. در قرارداد نفتی عراق هر چند اعمال کنترل و نظارت بسیار مشابه با سیستم کنترل و نظارت در ایران است ولیکن بسیاری از تصمیمات هیات مدیره شرکت عملیات مشترک که از نمایندگان طرفین قرارداد تشکیل شده است، دیگر نیازی به تایید شرکت نفت، وجود ندارد. الگوی جدید نفتی ایران در برخی موارد مشابه الگوی نفتی کشور عراق می باشد. لازم به ذکر است الگوی نفتی عراق و عربستان خارج از اشکال نمی باشد.

نگارندگان بر این باور است که در عصر دانش و تکنولوژی، با انتقال بیشتر تکنولوژی های روز دنیا در زمینه نفت و گاز و هم چنین جذب سرمایه گذاری خارجی امکان اعتلای هر چه بیشتر صنعت نفت و گاز امکان پذیر است. سیستم کنترل و نظارت بر سیستم نفت گاز ایران یکی از بهترین سیستم های نظارتی می باشد. سیستم قراردادهای نفت و گاز جدید ایران نیز تامین کننده منافع کشور در این زمینه می باشد.

منابع و مأخذ

- امانی.م.۱۳۸۹. حقوق قراردادهای بین المللی نفت. چاپ نهم. تهران. انتشارات دانشگاه امام صادق.
- امانی.م.۱۳۹۷. بررسی جایگاه حقوقی قراردادهای مشارکت در تولید در قوانین نفت کشور. فصلنامه تحقیقات حقوقی. شماره ۷۳.
- اخلاقی.ب.۱۳۹۵. حقوق بازرگانی بین الملل. چاپ ششم. تهران. انتشارات سمت.
- ایرانپور.ف.۱۳۸۵. مبانی عمومی قراردادهای نفتی. چاپ دوم. تهران. انتشارات مجد
- اسدی.ب.۱۳۹۰. خلیج فارس و مسائل آن. چاپ دوم. تهران، انتشارات سمت.
- بهجت.ج.۱۳۹۴. امنیت انرژی. چاپ اول. تهران. نشر تیسرا.

- جعفری.م.۱۳۹۶. بررسی تطبیقی الزامات قانونی حاکم بر عملیات بالادستی صنعت نفت و گاز ایران و عربستان. کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران
- شیر محمدی.م.۱۳۹۲. بررسی حقوقی قراردادهای جدید با قراردادهای مشارکت در تولید و خدمات در حوزه صنعت نفت و گاز. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق نفت و گاز. دانشکده حقوق. دانشگاه علامه طباطبایی.
- شیروی.ع.۱۳۹۳. حقوق تجارت بین الملل. چاپ ششم. تهران. انتشارات سمت.
- شیروی.ع.۱۴۰۰. حقوق نفت و گاز. چاپ پنجم. تهران. نشر میزان
- شیروی.ع. امین مجد ف.۱۳۹۱. سرمایه گذاری خارجی در عملیات بالادستی نفت و گاز. دوره نهم. شماره سوم.
- شیروی.ع. ابراهیمی.ن. ۱۳۹۳. اصول قانونی حاکم بر قراردادهای خدماتی بالادستی صنعت نفت و گاز ایران. پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران. شماره ۱۲.
- فرشاد گهر.ک.۱۳۹۱. سیری در قراردادهای نفتی عربستان. چاپ دوم. تهران. انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی
- فرشاد گهر.ک.۱۳۹۷. سیری در قراردادهای نفتی ایران. تهران. انتشارات علم و فرهنگ.
- فغانی.ب.۱۳۹۲. مقایسه محورهای قراردادهای جدید نفتی ایران با نمونه قرارداد مشارکت در تولید عراق. کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق. دانشگاه تهران.
- قانون نفت مصوب ۱۳۳۶
- قانون نفت مصوب ۱۳۵۳
- قانون نفت مصوب ۱۳۶۶
- قانون نفت مصوب ۱۳۹۰
- قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱
- موحد.م.۱۳۸۷. نفت ما و مسائل حقوقی آن. چاپ سوم. تهران. انتشارات خوارزمی.
- محبی.م.۱۳۹۷. مباحثی از حقوق نفت و گاز در پرتو رویه داوری بین الملل. تهران. انتشارات شهر دانش.
- یوسف نیا.ص.۱۳۹۵. کنترل و نظارت کارفرما در قراردادهای نفتی ایران و عراق. کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق. دانشگاه تهران.